

یادداشت

دعوت به تماشای کارهای کاربردی



لیلی گلستان

● همیشه رسم بوده که هنرمندان به کارهای کاربردی گرایش چشمگیری داشته باشند، مثل پیکاسو که بشقاب‌ها و کاسه‌هایش با آن نقوش زیبا بسیار تولید شدند و برآک که روی تعداد بسیاری بشقاب طراحی کرد، بی دالی با فرم‌های غریب شمعدان‌هایش و بسیاری دیگر که کارهای کاربردی‌شان به‌کرات بازتولید شدند و در مغازه‌های آثار هنری و موزه‌ها به فروش می‌رسند. در ایران هم پرویز تناولی با گردن آویزه‌ها، انگشترها و دکمه سردست‌هایش و محمد احصابی با بشقاب‌های بسیار زیبایش و بهرام دبیری با نمدها و بشقاب‌ها، مریم زندی با ظروف شیشه‌ای و ابراهیم حقیقی با گبه‌ها و ظروف شیشه‌ای و بسیاری دیگر از هنرمندان که کارهای کاربردی انجام داده‌اند. حالا گالری گلستان روز جمعه ۲۶ آذر نمایشگاهی از آثار کاربردی هنرمندان پیش‌کسوت و هنرمندان جوان ترتیب داده که دیدن آن بسیار لذت‌بخش خواهد بود. من همین‌جا از همه دعوت می‌کنم از این نمایشگاه دیدن کنند. در این نمایشگاه آثار از بهرام دبیری، گیزلا وارگا سینیایی، مریم سالور، ابراهیم حقیقی، مریم زندی، هلیا ابراهیمی، میثرا دوائی، نعیمه رزاقی، شکوفه رخم، روزبه دبیری، فرانک سالور، نرگس عقدایی، شمس‌الدین غازی، شیرین غازی، لیلا فرزانه، گلنزار قدیری، طناز کمالیان، نازگل کمالیان، مهید منیعی، سوگند میرزایی و زیورهای گالری کایالت ارائه می‌شود.

پشت‌بوم

نخبه‌کشی در هنر



حسین هاشم‌پور

● دیروز آن هفته‌نامه، امروز آن روزنامه، هرروز فلانی در فیس‌بوک و اینستاگرام… باورکردنی نیست در ایران با این قدمت فرهنگی، هنرمندان در زمره گروه‌هایی هستند که در معرض بیشترین اهانت‌ها و توهین‌ها قرار می‌گیرند. این در حالی است که مردم و افکار عمومی همیشه پشتیبان بزرگ جامعه فرهنگ و هنر هستند و شاید همین اقبال بزرگ است که طیفی را وامی‌دارد با پرونده‌سازی، ابهام‌افکنی و بی‌اخلاقی به بنیان‌های این رابطه عمیق آسیب برساند.

یک- پرشش اینجاست که چرا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا حتی مدعی‌العموم برای حمایت از هنرمندان و پاسداری از ساخت اخلاق در جامعه، از توهین‌کنندگان شکایت نمی‌کند؟ چرا باید بیضایی، آغداشلو، زندی‌دایگ‌یارستمی و نام‌های برآوازه دیگری که در قلب این مردم جای دارند بنا بر اتهاماتی که در هیچ دادگاهی به اثبات نرسیده، با الفاظی رکیک دشنام ببخشوند؟ به کجا رسیده‌ایم که آن روزنامه در نگارش نام تناولی به جای واو، سین می‌گذارد؟ وقتی رسانه‌های رسمی داخلی چنین پرده‌رده‌هایی می‌کنند و عقوبتی نمی‌بینند، دیگری‌ا پرورش می‌یابند که در صفحات مجازی، بدون سند، همین فضای بی‌اخلاقی و نفرت‌پراکنی را با بی‌حرمتی‌هایی دوچندان تعمیم می‌دهند. دو- جالب است که توهین‌کنندگان خلاقیتی هم ندارند و نقشه راهشان را از روی دست یکدیگر رونویسی می‌کنند؛ طرح ادعاهای بدون‌مدرک مانند پول‌گرفتن، بر سفره ناپاک نشستن، دست در دست مافیابودن و… با دوز بالایی از هتاکي و فحاشی؛ حال آنکه اطلاعاتی که این توهین‌کنندگان در رسانه‌های چاپی و اینترنتی با تکنیک‌های نخ‌نماشده خبری پشت هم ردیف می‌کنند، حکایت از مافیایی واقعی دارد که قلب روشنفکری ایران را نشانه رفته است.

سه- مأموریت توهین‌کنندگان روشن است: «نخبه‌کشی»، به معنای خالی‌کردن جامعه از بزرگان اندیشه و فکر و سوق‌دادن مردم به یاس و ناامیدی؛ همان نسخه قدیمی که وقتی می‌خواهی جامعه‌ای را به زانو درآوری، شمایلی‌هایش را بشکن. ازاین‌روست که هرقد را هنرمند یا مدیر هنری برای توسعه هنر ایران تلاش بیشتری کرده، بیشتروبیشتر در معرض اتهام‌های بزرگ‌وبزرگ‌تر قرار می‌گیرد. نگاهی به فهرستگان چهره‌هایی که هدف اصلی توهین‌کنندگان هستند خود گویای واقعیت است و مشت آنها را پیش‌روی مخاطب باز می‌کند.

چهار- انتظار این است که خود هنرمندان هم برای پیشگیری از گسترش چنین رفتارهایی، از توهین‌کنندگان شکایت کنند و البته این چیزی از مسئولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و حتی مدعی‌العموم کم نمی‌کند، نباید با سکوت و نجابت به‌خرج‌دادن، اجازه داد تهمت‌زدن و فحاشی‌کردن به امری عادی و نهاده‌نبوده در جامعه ایرانی بدل شود.

شرق: «فروشنده»، به کارگردانی اصغر فرهادی، نامزد جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان گلدن‌گلوب شد.

اصغر فرهادی پیش از این دوبار با فیلم‌های «گذشته» و «جدایی نادر از سیمین» نامزد این جایزه شده بود. او سال ۲۰۱۲ در شصت‌ونهمین دوره جوایز گلدن‌گلوب با فیلم «جدایی نادر از سیمین» جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان را از آن خود کرد.

«تونی اردمان»، به کارگردانی مارن آده، «او»، به کارگردانی پل وروهنف، «الپه‌ها»، به کارگردانی

هدی بنیامیا و «نرودا»، به کارگردانی پابلو لاراین، دیگر نامزدهای بخش فیلم‌های غیرانگلیسی‌زبان جوایز گلدن‌گلوب هستند. «فروشنده» نخستین‌بار در شصت‌ونهمین دوره جشنواره کن در بخش رقابت اصلی به نمایش درآمد و با دست‌پر از این جشنواره خارج شد. در جشنواره فیلم کن، اصغر فرهادی جایزه «بهترین

«فروشنده» نامزد گلدن گلوب ۲۰۱۷ شد



فیلم‌نامه» و شهاب حسینی جایزه «بهترین بازیگر مرد» را از آن خود کردند. مراسم معرفی برندگان و اهدای جوایز گلدن‌گلوب، ۱۹ دی (هشتم ژانویه ۲۰۱۷) با اجرای جیمی فالون برگزار خواهد شد. جایزه گلدن‌گلوب (Golden Globe Award) یا گوی طلایی نام مجموعه جوایزی است که هرساله در ایالات متحده آمریکا

نامه حسن فتحی، کارگردان «شهرزاد» به مخاطبان‌ش

سرنوشت مشترک فرهنگیان وهنرمندان



امروزه به یُمن چندمنبعی‌شدن شبکه‌های اطلاع‌رسانی همه طبقات اجتماعی و فرهنگی در معرض این ضرورت و قضاوت قرار دارند (پژشکان، سیاستمداران، وکلا، معلمان اخلاق، متولیان دین، روشنفکران و…) و نشانه‌هایش را مدام بر سردر شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم و زمرمه‌هایش را بر سر زبان‌ها می‌شنویم… افکار عمومی، قدرت مهم و پنهانی است که سال‌ها نادیده گرفته شده و مدام دست‌کاری شده و خوشبختانه راه‌های بروز و ظهور خود را پیدا کرده است. امری نیکو و مبارک؛ اما در جامعه قطب‌بندی‌شده و پنهان‌کار ما پرشش از دست‌های پنهان، پرسشی است مجاز و مشروع و این دغدغه که در پس این شفاف‌سازی سهم حقیقت تا کجا از مصلحت‌های سیاسی و منافع مالی تفکیک شده است؟ آیا مقصود افشای ناحق است و خورده‌شدن حقوقی مسلم (آن هم حقوق فرهنگیان که هم‌سرنوشت هنرمندان هستند) یا غرض به‌زمین‌زدن پروزه‌ای است که مستقبل بود و موفق؟!

آنچه بر همه همکاران من در فصل اول شهرزاد آشکار و معلوم است، این است که این سریال از زمان بسته‌شدن قرارداد ساخت آن در سال ۹۲ تا زمان پایان

نگاهی به تئاتر «سربسته از تهران»

ساختاری که به‌راحتی ویران می‌شود

می‌آید او به‌نوعی میزانتروپیسم (بیزاری از انسان‌ها) دچار شده و شاید این در تجارب تلخ‌ش از آدم‌ها ریشه داشته باشد، یا ذهنیتش به هر دلیلی به این سورفته پس آنچه او می‌گوید بیراه نیست، گرچه می‌تواند غیرمنطقی جلوه کند (و منطق به یک معنا نسبی است) او رو به تماشاگران می‌کند و با لحنی تلخ و تمسخرآمیز آنها را خطاب قرار می‌دهد: «همه‌تان می‌میرید…» که این نوعی فاصله‌گذاری نیز محسوب می‌شود. ولی مرد اصرار دارد که او توهم می‌بیند. تماشاگران هم شاید چنین گمانی دارند. اما آنها، درواقع، به عنوان پرسوزن‌های غیررسمی در این نمایش حضور دارند؛ حضوری منفعلانه اما بااهمیت. آنها نماینده «دیگران» هستند که به قول سارتر (در نمایش‌نامه «دو‌خ») همان «جهنم‌اند. «حضور «تلویزیون» در صحنه نیز معنایی مهم دارد: تلویزیون، در مقیاس جهانی، به عنوان وسیله‌ای مدرن که توده‌های مردم را سرگرم می‌کند و درواقع سر‌کار می‌گذارد، ابزاری مهم در دست سیاستمداران پوپولیست است و نقشی اساسی در شرطی‌سازی و استحمار مردم و همسان‌کردن آنها به نحو مطلوب قدرت‌ها و مطرح‌کردن ارزش‌های در نظر آنها دارد و در ازخودبیگانگی انسان‌ها و دورشدن آنها از روابط انسانی، خودشناسی و شناخت هستی نقشی اساسی دارد. وجود این دستگاه در خانه این زوج، می‌تواند یک حضور شوم تلقی شود؛ جعبه‌ای که در پریشان‌کردن آنها سهم دارد، بی‌آنکه خود بدانند. یکی دیگر از عناصر موجود در صحنه، «آب» است؛ آبی که زن مزه آن را مانند خون می‌انگارد. در اینجا‌ی معنای نشانه‌شناختی (سمبولیستی) آب، به عنوان مظهر یابی و معصومیت و نیز آرامش و روشن‌بینی، به کار گرفته شده: زن مزه آب را مانند خون می‌داند، چراکه معصومیت انسانی در نظر او تباه شده است و ذهن آشفته و نگاه تیره او به زندگی و دیگران را نشان می‌دهد. او در جایی نیز به هوای آلوده تهران اشاره می‌کند: «... خدا چرا هوای تهران را از یاد برده‌ای».

مسئله «عاقل-دیوانه»، را نیز می‌توان از تم‌های کمترآشکار این نمایش دانست. میشل فوکو در کتاب «تاریخ جنون»، ساختار «دیوانه-عاقل» را نقد می‌کند؛ ساختاری که مؤید فاصله‌گرفتن عاقلان از دیوانگان و تبعید آنها به دارالمجانین است. او در کتاب «تاریخ جنون» می‌گوید: «در دوران مدرن،

از سوی «اتحادیه مطبوعات خارجی هالیوود» به بهترین تولیدات سینمایی و تلویزیونی اهدا می‌شود. این جایزه نخستین‌بار در سال ۱۹۴۴ اهدا شد. مهم‌ترین جایزه آکادمی با نام «بهترین فیلم»، یکی از مهم‌ترین رقابت‌های فیلم‌سازان محسوب می‌شود. همچنین جایزه «یک عمر فعالیت هنری»، هرسال به یکی از بزرگان عرصه سینما و تلویزیون آمریکا داده می‌شود. جوایز گلدن‌گلوب معمولا معیار خوبی برای پیش‌بینی فیلم‌های راه‌یافتنی به جوایز اسکار است.

فیلم‌برداری آن، به دلیل مشکلات مالی و تأخیر طولانی در پرداخت‌ها دست‌کم سه بار تا مرز تعطیلی پیش رفت و آنچه اساسا موجب شد تا پای سرمایه‌گذار دوم به این پروژه باز شود، همین مسئله بود. اکنون این پرسش اساسی و مهم مطرح می‌شود که چرا سریالی را که تهیه‌کننده در تأمین بودجه‌اش (که حدود ۱۲ میلیارد تومان بوده) ناگزیر به اضافه‌کردن سرمایه‌گذار دوم شده، برخی افراد تلاش می‌کنند تا به ماجرای یک اختلاس هشت‌هزارمیلیاردی و صندوق ذخیره فرهنگیان ربط و پیوند بدهند؟! آن‌هم درحالی‌که تا این لحظه هیچ ربط و نسبتی میان آن اختلاس و این سریال مشاهده نشده است؛ آن هم در شرایطی که هم سخنگوی قوه قضائیه و هم رئیس کمیسیون مفاسد اقتصادی صراحتا اعلام کرده‌اند که درباره تهیه‌کننده شهرزاد، اتهام اختلاس در میان نبوده و تنها مسئله بدهی بانکی مطرح است؛ اما این پرسش همچنان باقی می‌ماند که چرا دراین‌میان انتقادات نه متوجه اختلاس هشت‌هزارمیلیاردی که صرفا متوجه سریالی‌شده است که در زمان تولید خود محتمل شرایط مالی سختی بوده است؟!

واقعیت این است که «شهرزاد»، راوی صادق و مستقل دیروزی بود که نصفه-نیمه‌کاره به ثبت رسیده است و برای مدتی کوتاه صدای بخش خاموش تاریخ پردرد ما شده بود و ازهمین‌رو با استقبال عمومی همراه شد؛ استقبالی که او را نجات داد و به سرانجام رساند. امروز نیز تنها به این امید و با این پشتوانه مداوم خواهد یافت که هرآنچه درباره آن مطرح می‌شود، با تکیه بر شفافیت و صداقتی هنرمندانه مورد توجه و واکاوی قرار بگیرد؛ زیرا ما هنرمندان سازنده سریال شهرزاد عمیقاً بر این نکته باور داریم که ازدست‌نزدان اعتماد بینندگان نشوهرزاد مهم‌تر از خود سریال شهرزاد است! و زیبایی شهرزاد – فرزند شهر– مگر در همین نبود؟ جذب اعتمادی ازدست‌رفته و دعوت به صلح و دوستی در زمانه‌ای پرتبعید و پر از خشونت به یُمن کلمه و گفت‌وگو!

از زمانی که ساختار بیمارستان‌های روانی ایجاد شد، بین عقل و جنون مرز کشیده شد و رابطه انسانی عاقل و دیوانه به پایان رسید». (نقل به مضمون) او از روان‌پزشک نه به عنوان یک دانشمند، بلکه به عنوان یک فرد مقتدر یاد می‌کند که نسبت به بیمار در موضع قدرت است. روان‌پزشک از طرف مردم وظیفه دارد تا آن را که دیوانه قلمی می‌شود مهار کند؛ چیزی مشابه نیروی پلیس که در اصل برای حفاظت از منافع طبقه بالای جامعه در مقابل عامه مردم، تأسیس شد. (فیلم «پرواز بر فراز آشیانه فاخته»، شاهکار میلوش فورمن، موضوع ساختار غلط بیمارستان‌های روانی را، به‌ویژه در دوران پیش از دهه ۷۰ میلادی، به بهترین شکل نشان می‌دهد). زن نیز از طرف روان‌پزشک، که در نمایش غایب است اما حضورش احساس می‌شود، محکوم به «دیوانه‌بودن» شده؛ گویی مرد و روان‌پزشک، در توطئه‌ای شوم و خاموش، برای دیوانه‌نمایاندن زن با هم همدستی کرده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، نمایش سربسته از تهران یک تماتیک پست‌مدرن دارد (البته از نظر فرمیک این چنین نیست)، چراکه دیدگاه مدرن نسبت به موضوع عاقل- دیوانه را به چالش می‌کشد و این چالش نه‌فقط در نگاه زن به تماشاگران، که از سوی مرد «فیرموجود» خوانده می‌شوند ولی در واقعیت وجود دارند، بلکه در اقدام تیره مرد خود را نشان می‌دهد: در پرده آخر نمایش، مرد زن را به قتل می‌رساند و روان بسیار عصبی خود را آشکار می‌کند. در اینجا‌جست که تراژدی شکل می‌گیرد و جای عاقل و دیوانه (در نظر تماشاگر) عوض و مشخص می‌شود مفهوم دیوانگی، چیزی جز یک اختراع بشری نیست؛ صفتی نسبی که تقریبا هر فردی در برهه‌هایی خاص از زندگی‌اش، می‌تواند متصف به آن شود؛ گرچه می‌توان به یک اعتبار، اقدام مرد (قتل) را دیوانگی واقعی به حساب آورد. واقعیت این است که اکثریت، اقلیتی را که مغایر عرف اجتماع (که ساخته اکثریت است) صحبت و رفتار می‌کنند دیوانه و مجنون می‌خوانند، گرچه این یک حقیقت مطلق به حساب نمی‌آید، چراکه آنچه صحبت و عمل عاقلانه نامیده می‌شود، قراردادی بیش نیست؛ ساختاری که می‌تواند به‌راحتی ویران شود.

❖ «تاریخ جنون»، میشل فوکو، ترجمه فاطمه ولیانی، نشر هرمس ۱۳۸۱.

افزوده‌شدن ۵هزارو ۵۰۸ صندلی تئاتر به سرانه شهر تهران در ۱۰ سال اخیر

تهران به رونق تئاتر به میزان توسعه سرانه فضاهای نمایشی اشاره و خاطرنشان کرد: «تولید و اجرای نمایش با هر موضوع و ساختاری، نیاز به ایجاد مکانی مناسب دارد که در همه مراکز تئاتر ساخته شده و از سوی شهرداری تهران به استانداردهای لازم دراین‌باره توجه شده است.

آیینی و کهن در جذب گردشگر و صنعت توریسم بسیار اثرگذار است. نمایش‌های آیینی و سنتی بخش مهمی از فرهنگ و هنر ما را تشکیل می‌دهند و می‌توان با اجرا و گسترش آن، نقش مهمی را در جذب توریست و جاذبه‌های هنری و فرهنگی ایران ایجاد کرد.» مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری

علیرضا جعفری ادامه داد: «امیدوارم بتوانیم مانند مرکز تئاتر حرفه‌ای تهران (خاوران) و مرکز نمایش‌های آیینی صبا، مکان‌های دائمی دیگری را نیز برای تئاتر در شهر تهران ایجاد کنیم». جعفری با بیان ویژگی‌ها و قابلیت‌های نهفته در نمایش‌های آیینی و سنتی افزود: «اجراهای حرفه‌ای در کنار محتوای غنی نمایش‌های

شرق: در ۱۰ سال اخیر پنج‌هزارو ۵۰۸ صندلی به تعداد صندلی‌های تئاتر در شهر تهران افزوده شده است. مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران ضمن اعلام خبر فوق گفت: «باید با گسترش سالن‌ها و صندلی‌های تئاتر در مسیر اشاعه و گسترش نمایش‌های آیینی و سنتی ایرانی کام برداریم.» مهندس

زیر آسمان فیروزهای

حراج خیریه آثارپیل آرام افجه‌ای، عرشاهی وشجریان



● **شرق:** حراج آثار هنری گوهران با صد اثر از بزرگان هنر ایران، برای ساخت بیمارستانی برای کودکان دارای نقص ایمنی اولیه در کاخ نیاوران برگزار می‌شود. به گزارش روابط‌عمومی گروه هنری گوهران، سعیده آبشناسان، مجموعه‌دار آثار هنری، صد تابلو نقاشی از گنجینه شخصی خود را روز جمعه، ۲۶ آذر، در شب میلاد رسول مهربانی (ص) به حراج می‌گذارد. دراین مجموعه آثاری از هنرمندان پیش‌کسوت و باسابقه عرصه هنرهای تجسمی کشور مانند حسین زنده‌رودی، فرام‌پیل آرام، سعود عرشاهی، جعفر روح‌بخش، منوچهر شبیانی، ناصر اویسی، لیلی متین‌دفتری، اردشیر محمص، نصرالله افجه‌ای، صادق تبریزی، ابراهیم حقیقی، جلال شباهنگی، فریده لاشایی، پروانه اعتمادی، رضا بانگیز، بهرام دبیری، واحد خاکدان، آناه محمدتاری، یعقوب عامه‌پیچ، شیرین اتحادیه، بهزاد شیشه‌گران، بیژن رافعتی، محمدهادی فدوی، محمد رحیمی، علی ملک، محسن خلیلی، مهرداد فلاح، داور یوسفی، فرشته ستایش، داریوش قره‌زاد و رضا حسینی به حراج درخواهد آمد. این در حالی است که دو اثر از سیاهش کسرایی، شاعر نامدار معاصر و محمدرضا شجریان، خسرو صدای ایران، در این مجموعه نیز به حراج درخواهد آمد. لازم به یادآوری است این آثار هنری در حالی حراج خواهند شد که قرار است فواید حاصل از آن در ساخت بیمارستانی برای کودکان دارای نقص ایمنی اولیه صرف شود. برای دریافت اطلاعات بیشتر به سایت گوهران به نشانی: http://goharanmagazine.com/ مراجعه کنید.

انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر در تمجید از بهرام بیضایی

خورشید را چه باک از گذر لکه ابری



● **شرق:** انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر بیانیهای را در ثنای استاد بهرام بیضایی منتشر کرد. انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران با نقل دیالوگ‌های آثار دینی بیضایی، بر دانش این نویسنده، پژوهشگر و کارگردان تئاتر و سینما تأکید کرد. در متن این بیانیه آمده است: همه حجت من در مسلمانی، حسین‌بنی‌علی بود... و من حقیقت را بر بالایا نیزه دیدم... (روز واقعه) زنی آبیست زن‌اکرده بود و می‌رفتند سنگسارش کنند، از او – علی (ع)– پرسیدند: حکم تو چیست؟ گفت: نمی‌بیند فرزندی در شکم دارد؟ صبری چندان که بار بگذارد، که شما بر وی حاکمید نه فرزند وی! و خوب می‌دانست چون بچه بیاید شیر مادر می‌خواهد و دامن مهربانی وی، و این زن را نجات خواهد داد... (مجلس ضربت‌زدن) بگذارید سکوت کنیم در برابر نامهربانی‌های این روزگار؛ سکوتی سرشار از ناگفته‌ها... بگذارید تنها سه نقطه... بگذاریم در برابر نادانی و جهالت مدرن در این زمانه غریب! تا آن جای خالی را تو پر کنی، با هر کلمه‌ای که خواستی؛ با هر کلمه‌ای که خواستیم. اما می‌خواهیم بایستیم به احترام بزرگی که سال‌هاست بر بی یاقتن هویت گمشده زنان و مردان این کهن‌دیار است. می‌خواهیم بایستیم تا ابد به احترام شیرآهن‌گونه مردی که از کلمات و روایت‌ایش دژی ساخته بود، که از باد و باران نباید گذشت. در وصفش همین بس که او مرد هنر است و اندیشه و تدبیر و نه سیاست و بی‌خردی و تزویر. خورشید را چه باک از گذر لکه ابری، خورشید مانا است و ابر به وزش بادی رفتی، به احترامش می‌ایستیم تا ابد و سکوت می‌کنیم؛ زیرا که سکوت هنر خردمندان است.

آغاز پیش فروش بلیت‌های «باغبان مرگ» با تخفیف

● **شرق:** پیش‌فروش بلیت‌های نمایش «باغبان مرگ» به نویسندگی محمد چرمشیر و به کارگردانی آرون‌د دشت‌آرای، با تخفیف ۳۰ درصد در سایت تیوال آغاز شد. نمایش «باغبان مرگ» نوشته محمد چرمشیر و به کارگردانی آرون‌د دشت‌آرای، از تولیدات پیشین کمپانی هنرهای اجرایی ویرگول، پس از سه سال مجددا روی صحنه می‌رود. این نمایش که سال ۹۲ در سالن شمس مؤسسه آرو روی صحنه رفته بود، از ۳۰ آذر در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر مجددا روی صحنه خواهد رفت. در دوره جدید اجرای «باغبان مرگ» آتیلآ پسیانی و ماریس ون‌هولک به ایفای نقش می‌پردازند. آتوسا قلمفرسایی طراح لباس، آرون‌د دشت‌آرای طراح صحنه و فرهاد فروزی طراح گرافیک هستند.